

حجة الاسلام آقای حاج سید موسی صدر که چندی است برای تبلیغ و ارشاد شیعیان لبنان به آنسامان عزیمت نموده و منشأ خدمات ذیقیمتی قرار گرفته اند اخیراً در دانشگاه بیروت نطقی مفید با حضور جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه ایراد داشته اند که متن آن از بیروت برای ما رسیده و ذیلا درج میگردد .

سید موسی صدر

لبنان

نقش اسلام

در

زندگی نوینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تصور میکنم بزرگترین توطئه‌یی که دین در تاریخ طولانی خود با آن مواجه شده «جدا کردن دین از زندگی» و بی تأثیر نشان دادن تعالیم دینی در حیات انسان است .

این توطئه با همکاری بی‌دینان و دینداران اجرا شده. تعجب نکنید! دینداران امروز عملاً ثابت میکنند که دین توشه آخرت است و باسم دین از زندگی کناره میگیرند و بمظاهر زندگی زهد میورزند . در نتیجه دین را مخصوص آمادگان مرگ: مریض ، پیرمرد ، فقیر، وامانده ... قرار داده اند . اما آنها که خیال مرگ ندارند: جوانها، دانشمندان، ثروتمندان ... در فکر دین نیستند .



گذشته از این گروهی از دینداران ، و بیشتر در اروپا ، با مظاهر حقیقی زندگی بدشمنی برخاسته‌اند با علم مقاومت کرده‌اند و هر تازه‌بی‌را بدعت دانسته‌اند .

در عصر ما و در زندگی نوین توضیح نقش‌دین با اشکال بیشتری مواجه است زیرا:
اولاً: علم پزشکی و علوم طبیعی دیگر با اکتشاف خواص اشیاء و فوائد و مضار آنها انسان‌را بی‌نیاز از حلال و حرام نشان میدهد .

ثانیاً : حقوق مدنی ، احوال شخصی ، قوانین بین‌المللی و تجارتي ، روابط اجتماعی انسان را تنظیم کرده و دیگر چه‌بسا احساس احتیاجی باین فایده دین (یعنی احکام روابط انسان با جامعه) نباشد .

ثالثاً اگر بخواهیم اخلاق دینی و دوری را که دین برای آن دارد در نظر بگیریم و بگوئیم تکبر، دروغگوئی، قطع رحم... حرام و برعکس راستگوئی همسایه داری، تواضع ... خوبست ، جواب می‌شویم که اخلاق که ابتداء بصورت يك صفت مستحسن میباشد رفته رفته توسعه یافته قانون میشود و بعد بصورت يك سنت ملی و اجتماعی در می‌آید .

روانشناسی مطالعه در باره گروهی از امراض روحی را بعهده می‌گیرد و بطور کلی قانون روانشناسی، و روانپزشکی ما را از این نقش دین بی‌نیاز کرده اند .

رابعاً: روابط ماوراءالطبیعه (اگر فلسفه اولی راهی بطرف حقیقت باز کند و معرفت‌انسان را بخالق بیفزاید) حتماً در تنظیم عبادات اثر می‌گذارد. عبادت عادتاً برای رضایت و فرار از غضب معبود است و بهمین دلیل سنن عبادت در بین مردمانیکه عقاید مختلف دارند فرق می‌کند . عبادت آفرودیت، با عبادت آتش یامهر فرق می‌کند .

پس این آخرین نقش دین هم در خطر می‌افتد و چیزی برای دین نمی‌ماند . جای دین در زندگی نوین کجاست ؟

ما در این بحث سعی میکنیم باین سؤال جواب بدهیم و جای دین را در زندگی امروز روشن کنیم . برای این مقصود بقرآن کریم : اصیل‌ترین و دست‌نخورده ترین کتاب آسمانی مراجعه میکنیم :

«فَاقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»

«پس بسوی دین راست رو آور، دینی که انسان را خداوند بر اساس آن خلق کرده‌است»
از این آیه و آیات دیگر می‌فهمیم که دین همان فطرت کامل انسان است و تعالیم آن برای ساختن انسان ؛ این جزء زنده آفرینش ، این رکن و محرک تاریخ آمده است .

اسلام میخواهد انسان را در جایی که برای او در این کون در نظر گرفته شده است بشناسد . تکالیف ، عبادات ، حلال و حرام ، اخلاق ، قوانین همه برای این مقصود است . توضیح آنکه :

الف - اسلام بموجب جهان بینی خاص خود ، جهان را یک موجود واحد متحرک بسوی هد فو مقصد می شناسد .

ب - هر یک از اجزاء جهان دارای وظیفه معین است که با دقت آنرا انجام میدهد . و قرآن نام این اطاعت را سجود میگذارد .

ج - جسم انسان از این قاعده مستثنی نیست و او هم باین اطاعت ، باین سجود کونسی مشغول است .

د - انسان از نظر آنکه موجود زنده و دارای علم و اراده است وظیفه بی دارد و برای امری مهم ساخته و پرداخته شده است . وظایف او را واجبات دینی روشن میکند .

ه - خدای یگانه عالم و قادر و عادل و رحیم است پس مصنوع او یعنی جهان بر این شکل ساخته شده و بر این اساسها استوار است .

و - پس وظیفه انسان در جهان بر پایه های علم ، قدرت ، عدالت ، و رحمت قرار دارد و در غیر اینصورت بعلت همصدا نبودن با جهان شکست میخورد و فراموش میشود .

ز - انسان تنها «من» نیست بلکه جزئی از جهان بزرگ است و عمراو با ولادت شروع نمی شود و با مرگ پایان نمی یابد .

ح - پس برای سعادت خود باید خود را یعنی جهان را بشناسد و از علم گریزان نباشد . و برای فعالیت ، عمر کوتاه خود را در نظر نگیرد . بلکه فعالیت خود را حلقه بی از زنجیر طولانی ازلی ابدی بداند - «کن لدنیائک کانت تعیش ابداً»

با مطالعه این فهرست میبینیم که تعالیم اخلاقی ، قوانین ، حلال و حرام ، عبادات و همه تعالیم دینی دور نقطه تکوین و ساختمان انسان میچرخد ولی انسان از خود ، از مردم ، از جهان و از خدا جدا نیست و از اینجهت تنظیم اساسی این روابط انسان با خود و جهان و خدا مورد ملاحظه دین قرار گرفته است .

حال به بینم آیا در زندگی نوین نقش دین تفاوتی کرده است ، البته نه ! زیرا عصر ما عصر علم است . علم چراغی است که جهان را بطور حقیقی نشان میدهد و راه

پیشرفت و تکامل را روشن میسازد. اما دیدن راه تنها کافی نیست. باید در این راه قدم برداشت. مگر هر کس میدانند عمل میکند؟

دین انسان را صالح برای پیمودن این راه میداند و او را به پیمودن راه تشویق میکند تا بتواند مقام انسانیت را که رهبری جهان و خلافت خدائی است بدست آورد. حالا کمی تفصیل بدهیم:

ذلك الكتاب لاریب فيه هدی للمتقین. الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون»

«این قرآن کتاب الهی است بدون شك راهنمای پرهیزکاران، آنان که بغیب ایمان دارند، و نماز را بپای میدارند و از آنچه روزیشان کرده ایم انفاق میکنند»

الف: ایمان بغیب: آیا انسان امروز که امراض جسمی، عصبی، اجتماعی، مالی خود را با علم حل کرده است از اضطراب و تشویش خود کاسته است؟

آمار نشان میدهد که نمیتوانیم باین سؤال جواب مثبت بدهیم! بلکه بطور حتم میتوانیم بگوئیم بنسبت تکامل دانش اضطراب او کم نشده است. انسان پیرشان عصر ما گرفتار امراض روحی فراوان است. يك تکیه گاه مطلق ثابت دائم جستجو میکند.

وابستگی انسان باین معدر قدرت لایزال پاسخ اساسی ترین احتیاج روحی انسان در عصر حاضر است. بعلاوه دنیای متعل بغیب بزرگتر است، حد ندارد، تشنگی لانهائی انسان را علاج میکند: *الا بدکر الله تلمئن القلوب*. «هان، فقط با یاد خدا دلهای بشر آرام میگردد» اسلام، این تکیه گاه را با ایمان بغیب تأمین کرده. ولی نه غیب پر از خرافات و مشکلات؛ نه غیب مزاحم و مانع از سیر زندگی و علم بلکه غیب مجرد و کامل.

ب- *و یقیمون الصلوة* - و برای محافظت بر این احساس دستور عملی میدهد تا همیشه این احساس زنده باشد. عمل و عقیدت، عمل و شعور وجدانی، عمل و وجدان مخفی درهم مؤثر هستند اسلام در عبادات بتوجه روحی اکتفا نکرده و عبادات متفرقه را کافی ندانسته بلکه درعین

حال حرکات خارجی و نیت را توأماً معتبر دانسته تا انسان در این تمرین توجه بخالق را در اثناء عمل بدست آورد. تا بتواند در زندگی دائماً متوجه خالق خود باشد و سبب خلقت خود را در نظر داشته باشد.

مسلمان در محراب مسجد و در محراب جهان نماز می‌گذارد و جهان را چون يك مسجد و يك ساجد می‌یابد .

ج - و مما رزقناهم ینفقون : هر چه انسان بدست آورد : مال، جاه ، قدرت ، سلامتی ، زیبایی، فکر، دانش مخصوص او نیست. رزق خداست. جهان، مردمان، جامعه، گذشتگان در آن و ایجادش شرکت کرده اند . پس او حق ندارد آن نعمتها را فقط برای خودش مصرف کند . باید سهم دیگران را بدهد .

جهان یکی است و جامعه يك درخت است که شاخه و برگ و ریشه اش در تولید میوه شرکت دارند . او از جهان است و جهان از اوست .

د - مسلمان احساس میکند که ارتباط بخدادارد و در حال ادای واجب خود میباشد و پیوسته بجهان است . پس او آزاد و آزاده است . او با فضیلت است . او قوی است و از همه کس و از همه چیز بی‌باک است .

آزاد است زیرا او بنده خدا فقط میباشد ، نه کس دیگر و چیز دیگر . راه علم ، مطالعه ، تغییر و تبدیل همه کس، همه چیز و همه وضع ممکن است. چیزی، کسی، وضعی از لیت ندارد ، با فضیلت است زیرا او بنده خدای با فضیلت است و در جهان با فضیلت زیست میکند . قوی است زیرا او همصدا و همراه با کون و جهان است. از مرگ و پیری و مرض مصیبت نمیترسد .

آیا انسان را نیروئی جز اسلام در زندگی نوین میتواند رهبر شود؟ آیا انسان در زندگی نوین که باتکامل علم بزرگترین و حساسترین نیروها را در دست دارد اگر تکامل همه جانبه نداشته باشد دچار ضعف خطرناک نیست ؟ و آیا احتیاج انسان باسلام امروز بیشتر از همیشه احساس نمیشود . چه کسی بهتر از جوانهای دانشجو که واقع جهان را با علم درک میکند و رهبران آینده جامعه هستند میتوانند به این واقع پی ببرند ؟

در خاتمه باین اعتراف کنم که دريك سخنرانی نمیتوانم از نقش تعالیم اسلامی درباره خانواده ، انفاق ، زکوة ، حج ، روزه و غیره بحثی بمیان آورم همینطور نقش اسلام در تاریخ تمدن جدید و پایه گذاری علوم و بحثهای دیگری که از این موضوع منشعب میشوند احتیاج بحثهای مفصلتر دارد .